

علل و عوامل پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه

رحمت ابراهیمی^۱، رضا جلالی^۲، محمد سهرابی^۳، محمدرحیم عبوضی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۲

چکیده:

علل و عوامل پیروزی در جنگ ۳۳ روزه رژیم غاصب صهیونیستی علیه مقاومت حزب‌الله لبنان در سال ۲۰۰۶ میلادی با برخورداری از پیچیدگی‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی کانون توجه جهانی بوده است. در این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای، با هدف بررسی علل و عوامل پیروزی حزب‌الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ میلادی بر اساس مدل مدیریت بحران مایکل برچر و با بهره‌گیری از مؤلفه‌های چهارگانه این مدل (با تأکید بر مرحله سوم این مدل) تجزیه و تحلیل شده است. نتیجه این تحقیق حاکی از آن است که شیوه جنگ نامتقارن مهم‌ترین علل و عوامل پیروزی حزب‌الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه بود. حزب‌الله لبنان با ترکیب روش‌های خلاقانه و مهارت‌های خود در این جنگ با وجود برتری‌های تسلیحاتی و تجهیزات نظامی پیشرفته، ارتش رژیم غاصب صهیونیستی را به شکست کشاند و آنها را به تغییر دکترین نظامی خود در برابر حزب‌الله لبنان وادار کرد.

واژگان اصلی: جنگ نامتقارن، حزب‌الله، رژیم صهیونیستی، خاورمیانه جدید، مایکل برچر.

۱. گروه اندیشه سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. گروه اندیشه سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

dr_rezajalali@yahoo.com

۳. گروه حقوق، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۴. گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (مدعو واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی)

مقدمه

امروزه فرهنگ گفتمان شیعی با تأکید بر مفاهیمی چون مقاومت، شهادت، عدالت، جهاد و مردم‌سالاری دینی در حال تبدیل به فرهنگ جهانی علیه سلطه‌گران است (منوچهری، ۱۳۹۵: ۳۰۹). جهانی‌شدن «فرهنگ شیعی مقاومت» امروزه پدیده‌ای تعیین‌کننده و قدرتمند در معادلات منطقه و جهان اسلام است تا زمینه را برای برقراری عدل و صلح جهانی فراهم کند (مرکز باحث للدراسات، ۱۳۸۸: ۱۱۸-۱۱۷). این مدل می‌تواند به الگویی پایدار و تأثیرگذار تبدیل شود و در دستیابی به تمدن نوین اسلامی نقش آفرینی کند (افتخاری، ۱۳۹۹: ۵۳۷). حزب‌الله لبنان به دلیل وجود بحران ناشی از اشغالگری به وجود آمده است (شیخ نعیم قاسم، ۱۳۹۳: ۲۹، ۲۰۰۶: ۱۳). در کشور لبنان با وجود چند دستگی ناشی از اشغالگری، حزب‌الله راه برون رفت از این بحران عدم مقاومت هوشمندانه و خلاق را در پیش گرفت (اسپرینگز، ۱۳۹۸: ۱۶۱-۱۵۳ و اصغری، ۱۳۸۸: ۳۸۹). براساس این دیدگاه، نیروهای مقاومت با حملات خود، دشمن را در سال ۲۰۰۰ به عقب نشینی از بخش‌هایی از جنوب لبنان وادار کرد (Matthews, 2008:55 و E. Johnson, 2008:76). حزب‌الله در عملیات وعده صادق «۱۲ ژوئیه ۲۰۰۶» دو سرباز رژیم صهیونیستی را با هدف آزادسازی اسرای لبنانی در بند رژیم صهیونیستی، گروگان گرفت (جمعی از نویسندگان صهیونیست، ۱۳۸۸: ۴۵ و توکلی، ۱۳۹۴: ۱۶۹) و با واکنش نامتناسب رژیم صهیونیستی مواجه شد. حزب‌الله در سال ۲۰۰۶ برای اولین بار است که قاعده‌سازی می‌کند (بلقزیز، ۱۳۸۸: ۳۸-۲۷) و می‌گوید هیچ اسیر لبنانی نباید در زندان رژیم صهیونیستی باقی بماند. تا زمانی که فردی لبنانی در بند رژیم صهیونیستی اسیر باشد، ما از نظامیان شما برای مبادله اسیر می‌گیریم. این رژیم چند ساعت پس از این عملیات، جنگ گسترده و فراگیری را علیه مقاومت اسلامی و زیرساخت‌ها و ملت لبنان آغاز کرد (Haines-Young, 2016:3). انتقام از عملیات وعده صادق حزب‌الله و آزادسازی دو اسیر رژیم صهیونیستی، فقط بهانه و هدف اعلامی حمله به لبنان بود و اهداف اعمالی و پنهان رژیم صهیونیستی، سیطره کامل بر لبنان و مقدرات این کشور است. این ادعای سلطه‌گری بر لبنان، از طریق درهم شکستن مقاومت اسلامی در جنگ به وقوع می‌پیوندد. عمق انتقام رژیم صهیونیست، خلع سلاح و انحلال مقاومت و سرانجام سرنگون کردن رئیس جمهور لبنان است. در نتیجه، این اهداف اعمالی، به دنبال روی کار آوردن رئیس جمهوری بی‌اراده و تابع اوامر آمریکا برای طرح منطقه جنوب غرب آسیا جدید ختم می‌شود. پیامدهای این جنگ موجب تحولات و ایجاد معادلات جدیدی در سطح لبنان، رژیم صهیونیستی، منطقه جنوب غرب آسیا و جهان شده است.

در این نوشتار، با استفاده از چارچوب نظری مدل تحلیل مایکل برچر، در چهار مرحله، علل پیدایش «سابقه دشمنی»، علل گسترش «لبنان نقطه آغازین طرح منطقه جنوب غرب آسیا جدید»، علل کاهش «علل و عوامل پیروزی حزب‌الله و کاهش بحران» و تأثیرات «پیامدها» جنگ ۳۳ روزه بررسی می‌شود.

چارچوب نظری: روش شناختی مدیریت بحران در مدل مایکل برچر

بحران، ویژگی‌های یکسانی دارد: تهدیدهایی که برای ارزش‌های محوری یک دولت و یا وجود ابهام در الگوی آتی در مناسبات بین دولت‌های طرح می‌شود برای تبدیل مناسبات ناپایدار به پایدار است (واکر، ۱۳۸۸: ۱۸۲). راه‌های متعددی برای طبقه‌بندی بحران وجود دارد. یکی از این روش، پیش‌بینی بحران است؛ یا طبقه‌بندی براساس نوع تصمیم‌گیری، اهمیت دارد. زمینه‌ساز این مدل، مکتب استنفورد است. در این دسته‌بندی، تهدید، محدودیت زمان و ارتباطات و نیز اطلاعات گسترده مورد توجه است. در این مکتب به الگوهای فشار روانی فردی، شناختی، فرآیند سازمانی، محاسبه هزینه، تهدید زیاد و زمان کم، می‌توان اشاره کرد (برچر، ۱۳۸۲: ۶۶-۳۲). مایکل برچر در جواب به نارسایی‌های مفهومی فوق، به دنبال تعریف جدیدی از بحران برآمد. وی توانست دگرگونی در فرآیند و ساختار را ترکیب نموده، آنها را به پایداری و تعادل پیوند بزند. روش وی، چهار عنصر اصلی نظام بین‌المللی را شامل می‌شود. برای نشان دادن این مدل، برچر و وینکنفلد ۳۲ بحران بین‌المللی را در فاصله سال‌های ۱۹۸۸-۱۹۱۸م بررسی کردند. در نهایت به این نتیجه رسیدند: کنکاش یک بحران با توجه به «بازیگر» و «نظام» شدنی است. همچنین بحران بین‌المللی را می‌توان با تغییرات در نوع و یا افزایش و شدت بخشی از رفتارهای شکننده طرف‌های بحران، بین دو یا چند دولت، مورد پژوهش قرار داد. با افزایش احتمال درگیری‌های نظامی میان طرف‌های بحران، به صورت طبیعی روابط بین آنها نیز ناپایدارتر می‌شود و ساختار نظام بین‌المللی را با چالش مواجه می‌نماید (برچر، ۱۳۸۲: ۲۴). مجموع ۸۲۶ بحرانی که برچر در این سال‌ها بررسی کرد، متعلق به سطح دولت در کشورها است. جنگ سرد اعراب و رژیم صهیونیستی و یا جنگ ایران و عراق جزوه بحران‌های طولانی محسوب می‌شوند. به اعتقاد برچر درک بازیگران از اوضاع بین‌المللی، ارتباط مستقیمی با بحران‌ها خواهد داشت. به طور دقیق‌تر سه تصور یا سه عامل به هم پیوسته به وسیله یک عامل خصومت‌آمیز، باعث شروع یک بحران می‌شود.

۱- هرگاه یک یا چند ارزش اساسی بازیگران تهدید شود: در این پژوهش، آمریکا به دنبال اجرای طرح خاورمیانه بزرگ در این منطقه بود. مخالفت ایران و به تبع آن حزب‌الله لبنان با طرح منطقه جنوب غرب

آسیا بزرگ به عنوان تهدیدی ارزشی برای آمریکا و رژیم صهیونیستی محسوب می‌شد؛ از این رو، حزب-الله لبنان به عنوان یکی از موانع و مخالفان طرح منطقه جنوب غرب آسیا بزرگ، لازم بود تا حذف شود.

۲- **زمان محدود برای پاسخ:** عدم توانایی رژیم صهیونیستی در مهار حزب‌الله در برابر ربایش و انتقال نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی به مکانی امن، دلیل وقوع این بحران «جنگ» شد؛ به بیان دیگر، نیروهای رژیم صهیونیستی اگر مانع انتقال نظامیان اسیر خود به داخل لبنان و مکان امن می‌شدند، این جنگ اتفاق نمی‌افتاد.

۳- **افزایش احتمال درگیری بازیگران در خصومت نظامی:** ماهیت رژیم صهیونیستی، بر مبنای اشغالگری سوار است. نگاه ایدئولوژیک این رژیم تسلط بر سرزمین موعود (از نیل تا فرات) است و این تفکر، احتمال درگیری را افزایش می‌دهد.

بر اساس تئوری بحران مایل برچر، یک بحران شامل چهار مرحله پیدایش، گسترش، کاهش و پایان است (برچر، ۱۳۸۲: ۳۸-۳۴). در این پژوهش با بهره‌گیری از مدل مذکور، به دلایل و عوامل پیروزی حزب‌الله می‌پردازیم.

مرحله اول- پیدایش بحران

در این مرحله براساس مدل برچر برای شروع یک بحران، ساختار و محیط نظام، توانایی، سرزمین و رژیم، به عنوان بازیگر مطرح هستند (برچر و وینکفلد، ۱۳۸۲: ۷۲). یک کشور از سه مؤلفه مردم، سرزمین و دولت تشکیل می‌شود.

این موضوع برای رژیم جعلی صهیونیسم وجود نداشت و با حمایت قدرت‌های غربی این رژیم در منطقه جنوب غرب آسیا به عنوان نگهبان منافع غرب شکل گرفت. ساختار رژیم صهیونیستی بر اساس نظامی‌گری مبتنی بر ترور و اشغال شکل گرفت. رژیم صهیونیستی با ناامن کردن محیط پیرامون خود به دنبال بقاست که حملات متعدد به لبنان گواه این موضوع است. بخش توانایی این رژیم، به غرب مربوط است. قدرت‌های غربی همواره تلاش کرده‌اند تا صهیونیست را از نظر تجهیزات و فناوری نظامی، به‌روز نگه دارند. هدف آن است که با برتری آن در منطقه منطقه جنوب غرب آسیا، به عنوان یک بازیگر قدرتمند حفظ شود.

در سرزمین فلسطین، رژیم صهیونیستی با روش اشغالگری به وجود آمد و با ناامن کردن سرزمین‌های هم‌جوار به دنبال ایجاد امنیت برای خود است. در مبحث رژیم، به طور کلی به موضوع

دموکراتیک یا غیر دموکراتیک رژیم توجه می‌شود؛ زیرا این موضوع بر ایجاد بحران یا عدم ایجاد بحران تاثیرگذار است. این رژیم، با ظاهر دموکراتیک، نسبت به دیگر رژیم‌ها، بیش‌ترین بحران را در اطراف خود پدید آورده است. دلایل تعارضات و دشمنی طولانی این رژیم با لبنان عبارت‌اند از:

۱. سابقه دشمنی یا تعارضات رژیم صهیونیستی با لبنان

۱-۱. اهداف آشکار و پنهان دشمنی رژیم صهیونیستی

۱-۱-۱. خلع سلاح حزب‌الله

قطعنامه ۱۵۵۹ که فرانسه طراح اصلی آن بود بر خلع سلاح حزب‌الله تأکید دارد و باید با این جنگ اجرایی می‌شد (ادریس: ۱۳۸۹: ۷۹). به بیانی دیگر، خلع سلاح حزب‌الله لبنان که در نظر آمریکا یک سازمان تروریستی است، بنا بر توافقنامه ۱۹۸۹ طائف بایستی انجام می‌شد (مرتضی، ۱۳۸۸: ۱۰۵-۱۰۶). این اقدام باعث رفع خطر برای رژیم صهیونیستی می‌شد (بن مائیر ۲۰۰۶/۱۲). سرانجام مأموریت اجرای این پروژه به رژیم صهیونیستی سپرده شد (یاسین، ۲۰۰۶: ۲۸). سلاح حزب‌الله یکی از ابزار مقاومت در برابر تجاوزات رژیم صهیونیستی به لبنان است (Nakhleh, 2007: 5).

۱-۱-۲. انحلال حزب‌الله

نابودکردن مقاومت (بن مائیر ۲۰۰۶/۱۲) از اهداف اصلی دشمنی رژیم صهیونیستی در این جنگ بود.

۱-۱-۳. نبود حکومتی به طور کامل زیر سلطه غرب

شکست لبنان به معنی بازکردن راه آمریکا برای منطقه جنوب غرب آسیا جدید بود؛ طوری که این منطقه از نظام‌های مخالف آمریکا و جنبش‌های مقاومتی که توسط ملت‌ها تشکیل شده‌اند، پاکسازی و به مستعمره آمریکا تبدیل می‌شد (حطیط، ۱۳۸۹: ۱۹). بنا بر این، ایجاد حکومتی به طور کامل زیر سلطه غرب، مهم‌ترین اهداف قطعنامه ۱۵۵۹ از سوی شورای امنیت بود. هدف از صدور آن، تغییر نظام سیاسی در لبنان با حذف حزب‌الله از ساختار سیاسی این کشور و انزوای سوریه و تلاش برای قطع حمایت‌های این کشور از محور مقاومت بود (نتانياهو، ۱۹۹۵: ۲۹۲). شکست حزب‌الله باعث بازگشت لبنان به شرایط ۱۹۸۲ می‌شد (سويد، ۱۳۷۹: ۲۵ و حيدر، موسوي، ۱۳۸۱: ۲۴ و سلیمانی زاده، ۱۳۸۷: ۴۸). البته منابع آمریکایی و صهیونیستی پس از جنگ ۳۳ روزه فاش کردند که قرار بود این حمله دو ماه پس از عملیات الوعد الصادق بعد انجام شود؛ اما عملیات وعده صادق حزب‌الله برنامه حمله رژیم صهیونیستی به لبنان را جلو انداخت.

در بحران اخیر لبنان، برای معرفی، پیدایش و شناسایی علل و عوامل آن، دو عامل سیاسی نقش

- داشت. یکی عامل خارجی ناشی از تأسیس رژیم غاصب صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ بود. دیگری ناشی از نظام طایفه‌ای لبنان است. جنوب لبنان از زمان تشکیل رژیم غاصب صهیونیستی ۱۹۴۸ صحنه درگیری و بحران از جانب رژیم صهیونیستی و قدرت‌های غربی بود که عبارت‌اند از:
۱. دخالت آمریکا به بهانه حفظ نفوذ خود در منطقه در دوره ریاست شمعون در سال ۱۹۵۹ و نیز در سال ۱۹۸۲.
 ۲. از بین بردن مقاومت برای آزادسازی مزارع شبعا و کفرشوای اشغال شده در سال ۱۹۶۷.
 ۳. عملیات لیطانی ۱۹۷۸.
 ۴. عملیات امنیت الجلیل ۱۹۸۲.
 ۵. عملیات تسویه حساب ۱۹۹۳ برای یکسره سازی عملیات نظامی از طریق شکست کامل حزب‌الله.
 ۶. عملیات خوشه‌های خشم ۱۹۹۶.
- برای عوامل داخلی می‌توان به ۱۸ گونه قومی و طایفه‌ای و مذهبی در لبنان اشاره کرد که از لحاظ اجتماعی، سیاسی متفاوت‌اند. این قومیت‌گرایی و چنددستگی حاکم بر جامعه لبنان، به مناقشات و جنگ‌های داخلی شدیدی از سال ۱۹۷۵-۱۹۹۰ در داخل، منجر شده است (اسداللهی، ۱۳۸۷: ۲۵۰-۲۳۳). رژیم صهیونیستی با بمباران شدید مناطق شیعه‌نشین، تلاش می‌کرد یک تفرقه‌ای میان گروه‌های اجتماعی لبنان ایجاد کند و آنها را نسبت به رابطه با رژیم صهیونیستی شرطی کند.

مرحله دوم - گسترش بحران

۲. لبنان نقطه آغازین طرح منطقه جنوب غرب آسیا جدید

این مرحله که از شکنندگی خیلی بیشتری نسبت به مرحله پیدایش برخوردار است، امکان دارد گسترش از یک فرآیند قبل‌تر به جنگ منتهی شود. شروع یک بحران امکان دارد با یک عمل سیاسی و یا اقتصادی غیرخوشونت‌آمیز به وجود بیاید و باعث گسترش بحران شود (برچر، ۱۳۸۲: ۶۹). اسارت دو نظامی رژیم صهیونیستی توسط حزب‌الله در سال ۲۰۰۶ بهانه‌ای برای اجرای طرح منطقه جنوب غرب آسیا جدید شد.

۲-۱. طرح خاورمیانه بزرگ

واژه منطقه جنوب غرب آسیا به منطقه نفوذ انگلیس در فاصله دو جنگ جهانی اول و دوم، یعنی به فلسطین و ماورای اردن و عراق اطلاق می‌شد اما بعدها، منطقه جنوب غرب آسیا تعداد بیشتری از

کشورها را در بر گرفت. این کشورها شامل ایران، ترکیه، اردن، مصر، قبرس، شبه جزیره عربستان، پاکستان، افغانستان، عراق، فلسطین، سوریه، لبنان و سودان است. در سال‌های اخیر، واژه «خاورمیانه بزرگ» به عرصه واژگانی علوم سیاسی وارد شد که زمینه‌های آن پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ / ۲۰۰۲ شهریور ۱۳۸۰ فراهم آمده است. طرح خاورمیانه بزرگ، بر اساس تکه تکه کردن کشورهای بزرگ منطقه یا تغییر رژیم‌های سیاسی آن‌ها به منظور توانمندسازی و وابستگی این کشورها به رژیم صهیونیستی تدوین شده است. کشورهای وابسته‌ای که هر یک برای گرفتن امتیازات بیشتر، با این رژیم رابطه برقرار کرده و متحدینی برای آن باشند. همچنین به دلیل مسائل قومی و مناقشات مرزی ناشی از جدایی، به طور دائم با یکدیگر در منازعه باشند (شیرودی، ۱۳۸۳: ۱۴). از آنجا که مسئله فلسطین مهم‌ترین و قدیمی‌ترین مسئله منطقه‌ای است که پس از نیم قرن، همچنان حل نشده باقی مانده و حتی رو به وخامت می‌رود. از دیدگاه آمریکا و صهیونیست‌ها، حل مطلوب این مسئله تنها در پایان فرآیند شکل‌گیری خاورمیانه بزرگ، امکان‌پذیر است؛ از این رو، لبنان به عنوان یک کشور کوچک و حزب‌الله لبنان به عنوان مخالف این طرح، در دستور کار آمریکا و رژیم صهیونیستی برای حمله قرار گرفت.

۱-۲. آغاز طرح منطقه جنوب غرب آسیا جدید با حمله به لبنان

برچر اشاره می‌کند عواملی باعث شتاب در بحران می‌شود (برچر و وینکنفلد، ۱۳۸۲: ۴۸۰). در جنگ ۳۳ روزه یکی از عوامل شتاب‌دهنده بحران، اسارت دو نظامی رژیم صهیونیستی بود. طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا که با ادعای ترویج دموکراسی (هانی، ۱۳۸۹: ۱۷۰) در منطقه مطرح شده بود و با حمله به عراق کلید خورده بود، شکست خورد. تناقض‌های راهبردی، جدیت طرح آمریکا برای ترویج دموکراسی در منطقه را زیر سوال برد (ادریس، ۱۳۸۹: ۷۷). این شکست سبب شد تا حمله رژیم صهیونیستی به لبنان در دستور کار قرار گیرد. در راهبرد رژیم صهیونیستی، الگوی حزب‌الله تهدید ایدئولوژیک وجودی برای موجودیت رژیم صهیونیستی است. بدین منظور رژیم صهیونیستی قبل از جنگ ۱۲ جولای ۲۰۰۶، مانورهای ویژه متعددی را برای بررسی آمادگی جبهه داخلی خود برای حمله آینده به لبنان برگزار کرده بود (بزی، ۱۳۹۸: ۳۸۹) تا شاید راه خروج مناسبی برای ایجاد وضعیت جدید به منظور اجرای طرح جدید آمریکا برای منطقه جنوب غرب آسیا باشد. این طرح، منطقه جنوب غرب آسیا جدید نام گرفت. با حمله به لبنان راه آمریکا برای اجرای طرح منطقه جنوب غرب آسیا جدید آغاز می‌شد (الخلیج، ۲۰ / ۱۰ / ۲۰۰۴). این جنگ قرار بود طرح نجات‌دهنده پسمانده‌های طرح منطقه جنوب غرب آسیا بزرگ در مقابل ضربه‌های مقاومت عراق و ناتوانی نیروهای آمریکایی در حفظ موقعیت خود

در عراق و همچنین خروج از آن باشد که دچار فروپاشی شده بود (ادریس، ۱۳۸۹: ۶۱-۷۷). بر این اساس، ۲۶ دقیقه بعد (ساعت ۹:۳۱) از عملیات موفق اسیرگیری الوعدالصادق حزب‌الله در ۱۲ جولای ۲۰۰۶، فرماندهی ارتش صهیونیستی دستور حمله به لبنان برای آزادکردن این دو سرباز خود را صادر کرد (بزی، ۱۳۹۸: ۳۹۰ و الخادم، ۱۳۹۰: ۳۷) و به لبنان اعلام جنگ داد. باید تأکید کرد طرح منطقه جنوب غرب آسیا جدید مهم‌ترین، اصلی‌ترین و گسترده‌ترین هدفی بود که دیگر اهداف در خدمت آن بوده‌اند؛ بنا بر این، می‌بینیم که کاندولیزا رایس، وزیر خارجه آمریکا در زمان جنگ ۳۳ روزه با جانب‌داری آمریکا از رژیم صهیونیستی و مخالفت با هرگونه تقاضا برای توقف جنگ، طرح جدید آمریکا به نام «طرح منطقه جنوب غرب آسیا جدید» (السفیر، ۲۰۰۶/۰۸/۱۵) را فاش ساخت که بعدها ابعاد بیشتری از آن آشکار شد. این اهداف، مستند به نوشته‌های رژیم صهیونیستی و آمریکایی است (فضائی، ۱۳۹۸: ۱۴۰-۸۱). رایس در زمان جنگ در لبنان گفت: «آنچه در حال وقوع است درد زایمان منطقه جنوب غرب آسیا جدید است» (حسن خلیل، ۱۳۹۸: ۳۱۲). در شانزدهمین روز جنگ رایس در ادامه اقدامات مداخله‌جویانه و نقض حاکمیت ملی کشورها در نسخه پیچی خود از طرح منطقه جنوب غرب آسیا جدید می‌گوید: فؤاد سینوره (نخست‌وزیر لبنان) در کنار محمود عباس (رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین) و نوری مالکی (نخست‌وزیر عراق) آینده منطقه جنوب غرب آسیا جدید را شکل خواهند داد (حسن خلیل، ۱۳۹۸: ۳۱۹). در این طرح مهم‌ترین هدف رژیم صهیونیستی از میان‌بردن الگوی جدید مقاومت در منطقه بود. رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۶۵ برنامه‌ریزی کرده بود تا مقاومت فلسطینی را از میان ببرد. سپتامبر سیاه (مرکز الاستشارات والبحوث، ۱۳۸۸: ۴۰۹). حمله سال ۱۹۸۲ (اسداللهی، ۱۳۸۷: ۲۳۶) و کشاندن ساف به امضای صلح اسلو از اقدامات رژیم صهیونیستی برای تأمین امنیت و کسب مشروعیت برای خود بود. همچنین اینکه ملت‌های عرب و اسلامی را تابع اراده و خواست استعماری خود کند و هر صدای مخالف و هرگونه مقاومت را از هر راهی که شده درهم بشکند. آن‌ها می‌خواستند حزب‌الله را به هر قیمتی به زانو درآورند (المعتصم، ۱۳۸۹: ۴۲). همه آن‌ها تصور می‌کردند که با حملات وحشیانه صهیونیست‌ها با راهبرد سرزمین سوخته به ضاحیه جنوبی بیروت، جنوب لبنان و بقاع، ملت لبنان از اطراف مقاومت پراکنده می‌شوند و مقاومت اسلامی هم به محض حمله زمینی ارتش رژیم صهیونیستی فرومی‌پاشد (المعتصم، ۱۳۸۹: ۴۱-۴۲).

۲-۲. از عوامل دیگر شتاب‌دهنده جنگ ۳۳ روزه براساس برچر، از بین بردن معادله بازدارندگی و یکسره‌سازی به نفع رژیم صهیونیستی و انتقام عقب‌نشینی سال ۲۰۰۰ از جنوب لبنان است. رژیم

صهیونیستی در آن زمان تلاش کرد این اقدام را با بمباران وسیع مراکز حزب الله در ضاحیه بیروت با عنوان سرزمین سوخته دنبال نماید (کوردزمن، ۱۳۸۸: ۲۸).

۲-۳. جنگ اقدامی برای تأمین و تحکیم امنیت مناطق شمالی رژیم صهیونیستی؛ تأمین امنیت مناطق شمالی اراضی اشغالی به دلیل تراکم جمعیت برای رژیم صهیونیستی اهمیت زیادی دارد. امنیت مناطق شمالی می تواند امنیت روانی برای ملت یهود را فراهم آورد. سیمون هرش، خبرنگار روزنامه نیویورکر برای اولین بار در مقاله ای که در ۱۴ اگوست ۲۰۰۶ منتشر شد، فاش: زمانی که حزب الله سربازان رژیم صهیونیستی را ربود رژیم صهیونیستی برای حمله به این سازمان شیعی در لبنان بهانه به دست آورد. ... ما ماهها قبل سرگرم تهیه مقدمات این حمله بودیم، بدون اینکه تاریخش را مشخص کنیم. این حمله ممکن بود با هر حادثه و در هر زمان شروع شود (المعتصم، ۱۳۸۹: ۳۴-۳۶). ارتش صهیونیستی در ششمین روز جنگ در دستیابی به اهداف خود اعلام شکست کرد. ایهود اولمرت، نخست وزیر رژیم صهیونیستی اعلام کرد هدف حمله به لبنان فشار به حزب الله لبنان برای بازگرداندن نظامیان ربوده شده است که از اهداف اصلی اعلامی جنگ بود (سلامه، ۱۳۸۹: ۹۰-۷۵).

مرحله سوم - کاهش یا دوره پایان بحران

۱- مدیریت نبرد فرسایشی جنگ توسط حزب الله و مداخله کشورهای ثالث باعث کاهش بحران شد.

مرحله کاهش بحران به لحاظ مفهومی در مقابل تصاعد یا گسترش بحران است. برچر معتقد است در مقیاس کلان، این مرحله با یک کاهش در رفتار متقابل قهرآمیز مشخص می شود. این کاهش تنش، به سازش و ختم بحران منتهی می شود (برچر، ۱۳۸۲: ۵۸). برچر در ادامه این سوال را مطرح می کند چه چیزی باعث می شود تا طرفین متخاصم به توافقی دوجانبه رضایت بدهند (برچر و وینکنفلد، ۱۳۸۲: ۴۸۵)؟ از علل کاهش و خاتمه یافتن بحران را می توان دخالت نیروی ثالث نام برد. مداخله نیروی سوم را بدین صورت است: «هر عملی که به دست یک بازیگر ثالث - که مستقیم درگیر بحران نیست - انجام گیرد و مقرر گردد تا مشکل یا مشکل های ایجاد شده در روابط و مذاکرات را کاهش و یا خاتمه دهد و مسیر را برای پایان دادن به بحران میسر کند، نیروی ثالث گفته می شود». این بازیگر ثالث در مناقشه های بین المللی گاهی سازمان های بین المللی، سازمان های منطقه ای و امنیتی، ابرقدرت های بزرگ و گاهی هم به بازیگران کوچک تر می توان اشاره کرد. آنچه که باعث شد تا رژیم صهیونیستی پذیرای

نقش نیروهای ثالث در جنگ ۳۳ روزه شود، قدرت و توان بازیگری حزب الله با استفاده از شیوه جنگ نامتقارن در مدیریت فرسایشی جنگ است. افزایش برد موشک‌های حزب الله در موشک باران عمق خاک رژیم صهیونیستی بخشی از جنگ نامتقارن است..

تعریف جنگ نامتقارن: بر اساس تعریف ستاد مشترک آمریکا جنگ نامتقارن عبارت است از: «به‌کارگیری رویکردهای غیر قابل پیش‌بینی یا غیر متعارف برای خشی نمودن یا تضعیف قوای دشمن و در عین حال، بهره‌برداری از نقاط آسیب‌پذیر او از طریق فناوری‌های غیر قابل انتظار یا روش‌های مبتکرانه است» (رزم جو، ۱۳۸۴: ۱).

۲- کاهش توان رژیم غاصب

شیوه جنگ نامتقارن حزب الله بزرگ‌ترین عاملی بود که باعث شد تا برتری نظامی رژیم صهیونیستی کارایی لازم را نداشته باشد. گزارش وینوگراد که با هدف بررسی شکست رژیم صهیونیستی در جنگ ۳۳ روزه است اعترافی به شکست رژیم صهیونیستی در برابر حزب الله است. جنگ نامتقارن، برتری نظامی رژیم صهیونیستی را خشی کرد و بخش‌های معادله قدرت را تغییر داد. در دکترین نظامی رژیم غاصب، جنگ همواره در زمین حریف تعریف می‌شد؛ ولی حزب الله لبنان با به‌کارگیری جنگ نامتقارن، عملاً نظریه نظامی رژیم صهیونیستی را به چالش کشید. حزب الله لبنان با به‌گیری از آتش‌باری موشکی خود، جنگ را به داخل سرزمین‌های اشغالی برد و همچنین همه امکانات نظامی خود را به زیرزمین انتقال داد و با اختفای خود، برتری نظامی رژیم صهیونیستی را ناکارآمد ساخت و این برتری را برای رژیم صهیونیستی غیر مؤثر نمود. درباره دخالت نیروهای ثالث در بحران لبنان و رژیم صهیونیستی بر اساس مدل مایکل برجر می‌توان به شورای امنیت سازمان ملل متحد به رهبری آمریکا و همچنین همکاری فرانسه، ایران، قطر و ترکیه، برای حل این مناقشه نام برد. از گذشته نیز در لبنان نیروهای چند ملیتی به دنبال جنگ‌های داخلی از سال ۱۹۷۸ در جنوب لبنان حضور دارند و درباره مناطقی مانند شبعا و کفرشوبا و نیز مناقشات دیگر لبنان با رژیم صهیونیستی قطعنامه‌های متعددی زیر نظر سازمان ملل، منعقد کردند.

۳- شیوه جنگ نامتقارن حزب الله عامل شکست در حملات هوایی و زمینی دشمن

الف) شکست حملات هوایی دشمن: رژیم صهیونیستی در اجرای مرحله اول از عملیات خود بر نیروی هوایی تکیه کرده بود. این رژیم از قبل، اهداف خود را مشتمل بر ۴۰۰ هدف تعیین کرده بود. هدف از حملات هوایی، گسستن پیکره مقاومت و زمین‌گیرکردن آن و تخریب توان رزمی و توقف

پرتاب موشک و انحلال آن بود. دلایل و عوامل پیروزی حزب الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه عبارت‌اند از:

✓ تشکیلات انعطاف‌پذیر و منسجم مقاومت: تشکیلات حزب الله به اندازه‌ای اختیارات به رزمندگان میدانی خود داده بود تا در صورت قطع ارتباط با فرماندهی، بتوانند عملیات خود را ادامه دهند. به همین دلیل، مقاومت اسلامی توانسته است نوعی همبستگی و انسجام بین نیروهای خود ایجاد کند که حتی در زمان قطع تماس مستقیم نیز این انسجام بین نیروها هم‌چنان وجود داشته باشد (حطیط، ۱۳۸۹: ۲۵).

✓ شجاعت، دوران‌دیشی و تجربه میدانی رهبران و فرماندهان. این ویژگی‌ها در مراحل مختلف ریل‌گذاری مقاومت را میسر کرده است؛ از جمله:

۱. آسیب‌ندیدن رهبران مقاومت؛ سرعت در اختفا، فرصت ضربه‌زدن به فرماندهان مقاومت را از دشمن گرفت؛ به این ترتیب، نیروی هوایی دشمن نتوانست آسیبی به رهبران مقاومت بزند.

۲. استفاده از راه‌های مواصلاتی و تماس‌های میدانی با شبکه مخابراتی زمینی ویژه و جایگزین، باعث شد تا رهبران و فرماندهان در تماس نزدیک با رزمندگان باشند.

۳. آمادگی میدانی و ساماندهی لجستیک از قبل. به رغم بمباران گسترده و تخریب مواضع حزب الله، رژیم صهیونیستی نتوانست مانع از شلیک موشک‌های حزب الله شود (خضاب، ۱۳۹۸: ۵۲).

ب) شکست حملات زمینی دشمن: اولین مؤلفه مقاومت، استفاده حزب الله از سلاح در چارچوب جنگ نامتقارن است. به اعتقاد کارشناسان نظامی و تصریح مسئولان نظامی دو طرف، یکی از اصلی‌ترین نقاط قوت حزب الله، پنهان‌بودن تجهیزات نظامی و کیفیت و مکان آن است. این عامل یکی از دلایل پیروزی حزب الله در جنگ ۳۳ روزه بوده است. آتش‌باری موشکی حزب الله و تهدید به موشک باران تل‌آویو و هدف قرار دادن مراکز حساس مانند انبار آمونیاک نیز باعث کاهش بحران و درخواست پذیرش آتش بس از سوی رژیم صهیونیستی شد (www.hrw.org).

✓ استفاده از تاکتیک جنگ نامتقارن: تاکتیک مقاومت لبنان در ابتدا با توجه به وضعیت جنگ، پایان نبرد به نفع خود نبود؛ بلکه استراتژی آن‌ها، افزایش هزینه و تاوان جنگ برای رژیم صهیونیستی بود. پیامد این نظر، سخت و ناممکن کردن نبردهای بعدی بود؛ از این رو، استفاده از تاکتیک جنگ

نامتقارن از عوامل مهم در پیروزی در برابر دشمن شد (کوردزمن، ۱۳۸۸: ۱۷۰ و Kalb and Saivetz, 2007). اشتباه اولمرت، نخست وزیر، در این جنگ، شروع جنگ همه‌جانبه بر ضد

لبنان بود، بدون اینکه مطمئن شود که ارتش رژیم صهیونیستی توان تحقق اهداف آن را دارد

(بنزمان، ۲۰۰۶/۸/۲)

✓ زمین نبرد: حزب الله با استفاده از شگردهای جدید جنگ کلاسیک در دفاع زمینی، استفاده از زمین با حفر تونل‌ها، پناهگاه‌ها، مخفیگاه‌ها، اتاق‌های استراحت، انبار مهمات و شبکه ارتباطی مناسب و غیر قابل رهگیری و نفوذ، خود را برای میدان نبرد آماده کرده بود. این آمادگی، ضربه‌های سخت و دردناکی را به ارتش رژیم صهیونیستی وارد کرد (کروک، پری، ۱۳۸۷: ۳۹).

✓ فرماندهی: فرمانده مقاومت نقش تاریخی و بی‌بدیلی را از خود در جنگ ۳۳ روزه نشان داد. به‌گونه‌ای که می‌توان گفت مدیریت روانی و روحی دشمن را نیز سیدحسین نصرالله راهبری و هدایت می‌کرد (حطیط، ۱۳۸۹: ۲۶).

○ آمادگی همیشگی: به لحاظ روح و خوی تجاوزگری در رژیم صهیونیستی، حزب الله را بر آن داشت تا همواره در آمادگی همیشگی به سر ببرند (حطیط، ۱۳۸۹: ۲۶).

○ شایستگی در میدان نبرد: ایجاد رابطه بین فرماندهان نظامی و فرماندهان سیاسی و نیز اطاعت‌پذیری و ولایت‌پذیری فرمانده میدانی مقاومت (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹: ۳۴-۳۲)، سبب شد تا رهبران مقاومت از مسائل میدان نبرد به دور نباشند. حضور فرماندهان در میدان نبرد، روحیه رزمندگان را تقویت می‌کرد. به‌گونه‌ای که در بیان اسارت سربازان رژیم صهیونیستی گفته می‌شود خود عماد مغینه فرمانده اصلی میدان نظامی در صحنه نبرد حضور داشته است (زارعی، ۱۳۹۷: ۷۵-۲۳).

○ حکمت و درایت و نیز ثبات در تصمیم‌گیری: مدیریت سیدحسین نصرالله و اطلاع دقیق وی از میدان نبرد و کنترل دائمی اوضاع و موشک‌باران برنامه‌ریزی شده از کم به زیاد از مناطق نزدیک به مناطق دور و مناطق پس از حیفاً باعث مدیریت صحیح در جنگ شد (حطیط، ۱۳۸۹: ۲۹).

○ اعتبار و برخورداری از اعتماد همگانی: هر کلام سید می‌توانست تأثیر روحی - روانی بسیاری بر دشمن بگذارد. وقتی سید اعلام می‌کند مناطق مسکونی را نمی‌زند، پیر زن رژیم صهیونیستی در هنگام موشک باران به پناهگاه نمی‌رود و از وی می‌پرسد چرا به پناهگاه نمی‌روی؟ می‌گوید: سید حسن گفته مناطق مسکونی را نمی‌زند (حطیط، ۱۳۸۹: ۲۹).

○ سیاست حزب الله در زمان جنگ: سیاست پیشرفته‌ای در زمینه مدیریت سیاسی جنگ «به عهده نیه‌بری» آماده‌سازی جبهه داخلی لبنان، برخورد با دشمن، برقراری ارتباط با عرب‌ها و

مسلمانان، یافتن متحد و نیز بی‌طرف نگه‌داشتن دشمنان و رقبای خود، از سیاست و روش

جنگ نامتقارن است. (www.alkhaleej.ae و حسن خلیل، ۱۳۹۸: ۱۶)

✓ ویژگی فردی در مدیریت رسانه، خطابه، زبان بدن و جنگ روانی توسط سید مقاومت: این جنگ را می‌توان به نوعی، جنگ غافلگیری‌ها دانست که سید مقاومت آن را به خوبی اجرا کرد (حطیط، ۱۳۸۹: ۲۹-۳۰).

✓ وضعیت روحی معنوی و الهی و وضعیت جسمی مناسب رزمندگان مقاومت و ارتباط معنوی آن‌ها با سیدحسن نصرالله در اطاعت و ولایت‌پذیری از وی بی‌نظیر بوده است (غریب، ۱۳۸۸: ۱۱۰-۱۰۳).

✓ شبکه اطلاع‌رسانی مقاومت: این رسانه‌ها با وجود بمباران‌های مکرر، به‌طور عینی و واضح، اطلاع‌رسانی می‌کردند و مداوم در میدان جنگ حضور داشتند. اخبار، تحلیل‌ها، تفسیرها و تصویرهای صحیحی از جنگ به شهروندان و علاقمندان ارائه می‌کردند. (جعفرپور، ۱۳۹۰: ۲۰۰-۱۸۷ و کوردزمن، ۱۳۸۸: ۱۰۰).

ج) نقش ارتش لبنان: ارتش یکی از اضلاع مثلث «ارتش، مردم، مقاومت» در لبنان است. ارتش با حمایت از مقاومت و پاسداری از سواحل لبنان به مقاومت کمک نمود و نگذاشت وجودش نادیده گرفته شود (حطیط، ۱۳۸۹: ۳۲).

د) نقش مردم در حمایت از مقاومت: حمایت توده مردمی در داخل و خارج لبنان، اهداف دشمن را با شکست مواجه کردند. این پشتیبانی‌ها عبارت‌اند از:

- مردم حامی مقاومت در جنوب لبنان پس از اعلام آتش بس به منازلشان برگشتند. مرکز مطالعات بگین - سادات در نقب که استراتژی‌های رژیم اشغالی را ترسیم می‌کند دربارهٔ بردباری مردم می‌گوید: «مردم اسلحه‌هایی هستند که از چشم ما دور مانده است؛ زیرا بی‌درنگ بعد از جنگ در میدان ظاهر شده‌اند، بدون اینکه جنگ تأثیری بر آنها بگذارد» (نصرالله، ۱۳۸۹: ۱۳۲).
- بمب‌های خوشه‌ای دشمن نتوانست مانع از بازگشت آواره‌گان به وطنشان شود. همچنین توده‌های مردمی در خارج از لبنان با برپایی تظاهرات در نقاط مختلف دنیا به حمایت از مقاومت پرداختند که باعث تقویت روحیه مقاومت شد (حسن خلیل، ۱۳۹۸: ۳۰۰).

مرحله چهارم-تاثیرات دوره بعد از بحران

۱. پیامدهای جنگ ۳۳ روزه بر منطقه و جهان

این بخش به مرحله پس از بحران و عواقبی که پس از آن ناشی می‌شود اشاره می‌کند؛ تمامی بحران‌ها در یک یا چند سطح پیامدهایی دارند (برچر، ۱۳۸۲: ۵۹).

الف) امتیازات و پیامدهای جنگ ۳۳ روزه

امتیازات کسب شده برای حزب‌الله؛ پس از ۳۳ روز جنگ با صدور قطعنامه ۱۷۰۱ سازمان ملل این جنگ خاتمه یافت. پیامدهای این جنگ عبارت‌اند از:

✓ ناکامی رژیم صهیونیستی در آزادی اسرای نظامی خود: جنگ در حالی به پایان رسید که اسرای رژیم صهیونیستی همچنان در دست حزب‌الله باقی ماندند. قطعنامه ۱۷۰۱ تنها بر آزادی اسرا تأکید کرده بود. بعد از جنگ، حزب‌الله موفق به تحمیل همه خواسته‌های خود بر رژیم صهیونیستی و آزادسازی همه اسرای لبنانی در بند رژیم صهیونیستی شد (Ruhayem, 2016: 10). رژیم صهیونیستی حتی توانایی آزادی اسیر خود از دست گروه فلسطینی حماس را هم نداشت (شیروانی، ۱۳۸۹: ۱۱۲-۱۱۱). در یک نظرسنجی در خصوص آتش بس در داخل سرزمین‌های اشغالی تنها ۳۶ درصد مردم موافق این اقدام بودند و بیش از پنجاه درصد مردم مخالف آن بودند، این نشانه از عدم موفقیت نزد افکار عمومی مردم بود (Ben meir, 2009: 15-29).

✓ ناکامی نابودی سلاح مقاومت: رژیم صهیونیستی و آمریکا و مخالفان داخلی حزب‌الله در هدفشان برای خلع سلاح مقاومت با وجود قطعنامه ۱۷۰۱ ناکام ماندند (Stead, July 12, 2018). نشریه نداءالمقاومه در شماره ۴۹ صفحه ۷ به نقل از تزپپی لیونی، وزیر خارجه رژیم صهیونیستی در زمان جنگ ۳۳ روزه می‌نویسد: «هیچ قدرتی در جهان قادر به خلع سلاح حزب‌الله نیست» (شیروانی، ۱۳۸۹: ۱۲۰-۸۳). این جنگ و قطعنامه ۱۷۰۱ نه تنها حزب‌الله را نتوانست خلع سلاح کند؛ بلکه حزب‌الله مجهزتر شد (عفرون، ۲۰۰۶/۱۷).

✓ خروج انحصار قدرت در لبنان از دست عوامل آمریکا: پس از شکست رژیم صهیونیستی در جنگ ۳۳ روزه انحصار قدرت از دست عوامل آمریکایی در لبنان خارج و پیروزی ائتلاف ۸ مارس در انتخابات بعدی و تغییر اکثریت به نفع آنان شد. این جنگ سبب شد در سال‌های بعد طرفداران جریان مقاومت کرسی‌هایی در انتخابات شهرداری‌ها و مجلس به دست آوردند (حطیط،

(۲۰:۱۳۸۹).

- ✓ تسلیم شدن جریان حاکم برای ایجاد دولت وحدت ملی: میشل سلیمان فرمانده ارتش لبنان که شخصی بی طرف و مورد حمایت حزب الله لبنان بود به ریاست جمهوری رسید. وی پس از به قدرت رسیدن هرگز خواهان خلع سلاح مقاومت نشد. روابط سوریه و لبنان که بر سر ترور رفیق حریری قطع شده بود با سفر میشل سلیمان به دمشق از سر گرفته شد (رضوی، ۱۳۹۶: ۳۵-۲۵).
 - ✓ احقاق حقوق و خروج اشغالگران از جنوب لبنان: از اهداف رژیم صهیونیستی قبل از جنگ، تبدیل کردن جنوب لیطانی به محلی دورافتاده و خالی از سکنه بود که با مقاومت مردم لبنان این هدف رژیم صهیونیستی محقق نشد و امتیاز دیگری برای حزب الله لبنان شد (بزی، ۱۳۹۸: ۳۹۱).
- حزب الله توانست مباحثی مانند مزارع شبعا که به فراموشی سپرده شده بود را دوباره احیا کند و موضوع اسرای لبنانی در قطعنامه ۱۷۰۱ گنجانده شود (خسروشیری، ۱۳۸۹: ۱۰۲).

ب) امتیازات کسب شده برای رژیم صهیونیستی

- رژیم صهیونیستی ادعا می کند، نیروی های دریایی اروپایی را برای کنترل بر سواحل لبنان به این منطقه کشانده و مانع دستیابی حزب الله به سلاح شده است.
- ممنوعیت وجود هرگونه سلاح غیر رسمی در منطقه جنوب لیطانی: آنچه بر روی کاغذ آورده شد با آنچه در عمل رخ داد، هم خوانی ندارد؛ زیرا اگر این اتفاق بر اساس قطعنامه ۱۵۵۹ و در نتیجه جنگ ۳۳ روزه عملی می شد، رژیم صهیونیستی پس از جنگ ۳۳ روزه لحظه ای در نابودی و حمله دوباره به حزب الله درنگ نمی کرد.
- نقض غیر رسمی مشروعیت حزب الله: رژیم صهیونیستی مقاومت را هیچگاه به رسمیت نشناخته بود که بخواهند مشروعیتش را نقض کنند (حطیط، ۱۳۸۹: ۲۱).

ج) پیروزی های حزب الله در داخل سرزمین های اشغالی

- گزارش دو گانه اعلامی و طبقه بندی شده قاضی وینوگرا، رژیم صهیونیستی پس از جنگ، گروه تحقیقی را برای یافتن علل ناکامی اش در جنگ به ریاست ژنرال بازنشته ارتش وینوگرا تشکیل می دهد. کمیته بررسی علل شکست در جنگ ۳۳ روزه، پس از تحقیقات خود در ۳۰ آوریل ۲۰۰۷ گزارش طبقه بندی شده ای را در ۶۰۹ صفحه ارائه کرد (Matthews, 2008: 60). در این گزارش به علل شکست اشاره می شود و هر یک از مسئولان درگیر در جنگ تلاش کردند تقصیر شکست های ناشی از جنگ را به گردن دیگری بیندازند.

د) نظامی

۱. با اصابت اولین موشک‌های حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه به عمق دشمن صهیونیستی و ناتوانی دولت صهیونیستی در توقف حملات موشکی حزب‌الله، ضعف ارتش رژیم صهیونیستی را نشان داد (گوکسل، ۱۳۸۹: ۱۳۸). متزلزل شدن اعتماد مردم و رهبران سیاسی به ارتش و فرماندهان، از دیگر پیامدهای جنگ برای رژیم صهیونیستی است (فضائلی، ۱۳۹۸: ۱۴۰-۸۱).

۲. همچنین به دنبال مطرح شدن حزب‌الله به عنوان قدرت منطقه‌ای قاعده‌ساز در سال‌های اخیر (غفوری: ۱۳۹۰، ۲۳۶-۲۳۱) و با فروپاشی راهبرد نظامی غاصب، رژیم صهیونیستی در برابر معادله جدیدی به نام بازدارندگی قرار گرفت. یکی از معادلات بازدارندگی مقاومت، توان موشکی حزب‌الله است و در پی آن، برای نابودی توان موشکی حزب‌الله، طرح گنبد آهنین مطرح شد. تاکنون گنبد آهنین به طور کامل جواب نداده است (پیام آفتاب، ۱۳۸۶/۱۰/۲۷). تقویت نامتوازن نیروی هوایی ارتش صهیونیست و تضعیف نیروی زمینی، اشتباهی بود که ناکارآمدی نیروی هوایی را در جنگ سال ۲۰۰۶ نمایان کرد.

۳. نخست وزیر اولمرت اعلام کرد که «ما در این جنگ پیروز نشدیم» (کدمون، ۲۰۰۶/۸/۱۱) به عبارتی، ما شکست خوردیم».

۴. مهم‌ترین پیامد جنگ را در ابعاد داخلی می‌توان در گفتگو با رئیس سرویس امان پیدا کرد. او اعلام کرد احساس عمومی احساس شکست در این جنگ است. هر چند که ما درباره پیروز نشدن صحبت می‌کنیم (وایتس، ۲۰۰۶/۸/۱۱).

سیاسی

▪ مطرح شدن دوباره سؤال درباره وجود و بقای رژیم صهیونیستی: چنین پرسشی هرگز قبل از جنگ ۳۳ روزه مطرح نبوده است؛ تضعیف اعتماد به نظام حاکم از نگاه مردم یک پیامد خطرناک‌تر به نظر می‌رسد (بنزمان، ۲۰۰۶/۸/۲).

▪ بی‌اعتمادی ارتش رژیم صهیونیستی به مسئولان سیاسی این رژیم: ارتش تأکید داشت که مسئولان سیاسی این رژیم در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ ضعیف و ترسو بودند و سبب متزلزل شدن اعتماد مردم به رهبران سیاسی رژیم صهیونیستی و پیدایش بحران رهبری سیاسی در رژیم صهیونیستی شدند (فضائلی، ۱۳۹۸: ۱۴۰-۸۱).

- استعفای مثلث جنگ در رژیم صهیونیستی، ایهود باراک به جای عامیر پرتز، وزیر دفاع شد؛ اشکنازی به جای دان حالوتس به سمت ریاست ستاد ارتش رسید و اولمرت پس از دو سال از سمت ریاست حزب کادیما و نخست‌وزیری استعفاد داد (کروک، ۱۳۸۷: ۱۴ و Erlanger, 2009: 25). لیونی، وزیر خارجه به جای اولمرت به ریاست حزب کادیما رسید تا از سقوط کابینه اولمرت جلوگیری کند. شکست در این جنگ موجب شد تا موجی از بی‌اعتمادی عمومی و بحران کارآمدی نظامی، سیاسی و امنیتی دولت رژیم صهیونیستی را فرا بگیرد و باعث فروپاشی دکترین نظامی رژیم صهیونیستی نیز شد (Salem, 2006: 5).
- غرب و همکاری بیشتر رژیم صهیونیستی: این جنگ باعث زندگی سیاسی مجدد نتانیاهو شد و از سال ۲۰۰۹ تاکنون نخست وزیر ماند (Harel, 2016: 12). اگرچه با روی کار آمدن نتانیاهو در سال‌های بعد شاهد اختلاف نظر بین اروپا و آمریکا در طرح دو دولت به پایتختی قدس هستیم اما اروپا هیچگاه حمایت خود را از این رژیم با توجه به شهرک‌سازی، قطع نکرد. اروپا پذیرش طرح دو دولت را منوط به توقف شهرک‌سازی کرده است (Council of Ashton, 2011 و Europe, 2018: 5 و Haaretz, 2007).
- همبستگی اروپا با این رژیم در حملات به غزه همچنان وجود داشت و هیچ‌گاه حملات آن را علیه دیگران محکوم ننموده است. اروپا رژیم صهیونیستی را دوست و شریک خود می‌نامد (O'Donnell, 2016: 10 و Nu'ariat, 2009: 232 و Pardo and Peters, 2010: 67). همکاری و هماهنگی آمریکا و رژیم صهیونیستی در برابر محور مقاومت پس جنگ ۳۳ روزه بیشتر شده است و جنگ ۲۰۱۱ علیه سوریه به عنوان یکی از اعضا محور مقاومت یکی از این همکاری‌ها است (Nakhleh, 2007: 8 و Ruhayem, 2016: 11).

ه) پیامدهای فرا منطقه‌ای جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ - پیروزی‌های فرا منطقه‌ای حزب الله

تقویت جایگاه متحدان منطقه‌ای، یعنی ایران، سوریه و حماس از جمله پیامدها است (محمدصالح، ۲۰۰۶: ۱۳۳ و مرکبی، ۱۳۹۳: ۲۷۹). پس از جنگ، فشارها بر سوریه کاهش یافت و دولت میشل سلیمان طرفدار قدرت رسید. ضمن جنگ ۲۰۰۶ این مطرح شد که یک هم‌پیمانی دفاعی میان کشورهای بزرگ و به‌ویژه میان آمریکا و انگلیس با رژیم صهیونیستی، ترکیه، عربستان، مصر، اردن و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس برای مقابله با ایران و هم‌پیمانانش در منطقه لازم و ضروری است (شالوم، ۲۰۰۶: ۲۱).

و) امنیتی

تقویت جایگاه امنیتی و سیاسی گروه‌های مقاومت همانند حماس: پیروزی حزب‌الله لبنان باعث افزایش روحیه و جایگاه جریان‌های مقاومت در فلسطین شد (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۷: ۱۸۵-۱۸۰) قطع نشدن موشک‌باران حزب‌الله پس از پایان بمباران مجموعه اهداف رژیم صهیونیستی، نشانه شکست اطلاعاتی در جنگ و استفاده حزب‌الله از روش‌های بسیار متفاوت به نام جنگ نامتقارن است (بیدل و فریدمن، ۱۳۸۹: ۱۵ و خواجه، ۱۳۸۷: ۱۹۳ و شالوم، ۲۰۰۶/۲۱).

ز) اقتصادی

رژیم صهیونیستی حدود ۶ میلیارد دلار هزینه کرد تا رزمندگان حزب‌الله را از میان ببرد؛ اما در این هدف هم ناکام ماند (الحافظ، ۱۳۸۹: ۱۱۱).

نقض اصول اخلاقی یا فروپاشی اخلاقی رژیم صهیونیستی: همان‌گونه که جنگ شایستگی‌های اخلاقی حزب‌الله را نشان داد (بیدی، ۱۳۹۳: ۱۷)، در رژیم صهیونیستی رذایل اخلاقی اشغالگران خود را نمایان کرد.

۲. نقش بازیگران جنگ ۳۳ روزه

بازیگران شامل افراد، گروه‌ها و دولت‌هایی هستند که در چگونگی تصمیم‌گیری یک کشور در افزایش یا کاهش منافع ملی آن تأثیرگذارند (قوام، ۱۳۹۰: ۱۴۱).

- احزاب و گروه‌های داخل لبنان: در داخل لبنان برخی از افراد تأثیرگذار و همچنین برخی گروه‌ها از حزب‌الله حمایت کردند و برخی هم به صورت غیرعلنی با موضع‌گیری‌های خود حمایت خود را از غرب و رژیم صهیونیستی نشان دادند (پگاه حوزة، ۱۳۹۶/۰۶/۱۱ و نصرالله، ۱۳۸۹: ۱۲۷-۱۲۸). حزب‌الله از یک حزب محلی به قدرتی منطبقه‌ای تبدیل شد که بر این اساس در سال ۲۰۱۳ به سوریه وارد شد.

نتیجه‌گیری

اگرچه هدف از آغاز جنگ ۳۳ روزه رژیم صهیونیستی علیه حزب‌الله لبنان خلع سلاح و انحلال حزب‌الله و روی کار آوردن دولت همسو با مقاصد خود بود؛ اما حزب‌الله با به‌کارگیری روش جنگ نامتقارن، مانع دست‌یابی رژیم صهیونیستی به اهدافش شد. این روش جنگ مهم‌ترین عامل پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه بود. شیوه مبارزه جنگ نامتقارن به مسئله‌ای بسیار مهم برای محافل نظامی

غرب به‌ویژه آمریکا تبدیل شد. این درحالی بود که رژیم صهیونیستی قبل از شروع جنگ ۳۳ روزه از لحاظ نظامی از برتری کامل نسبت به کشورهای عربی برخوردار بود و با این برتری نتایج این جنگ‌ها را به نفع خود رقم می‌زد؛ ولی حزب‌الله لبنان با ترکیب روش‌های خلاقانه و مهارت‌های خود در این جنگ با وجود برتری‌های تسلیحاتی و تجهیزات نظامی پیشرفته، باعث مهار و شکست ارتش این رژیم شد و آنها را به تغییر دکترین نظامی خود در برابر حزب‌الله لبنان وادار کرد؛ بر این اساس، رفتار حزب-الله در این جنگ، آن را با بسیاری از ارتش‌های دولتی در جنگ‌های برون‌مرزی متفاوت ساخت. حزب‌الله به خوبی نشان داد که چگونه یک نیروی نظامی کوچک که شانس پیروزی در جنگ متعارف را ندارد، می‌تواند با ترکیبی از تاکتیک‌های جنگی، نامنظم و ایذایی و استفاده خلاقانه از سلاح‌های کوچک و روش‌های غیر قابل پیش‌بینی، نیروی نظامی متعارف و پیشرفته رژیم صهیونیستی را به زانو در آورد که از پشتیبانی فناورانه ارتش آمریکا نیز برخوردار بود. همان‌گونه که در مرحله سوم مدل مدیریت بحران مایکل برچر در متن پژوهش اشاره گردید شیوه جنگ نامتقارن، حزب‌الله لبنان را در جنگ ۳۳ روزه پیروز کرد و باعث شکست دشمن شد و نقطه عطفی در دشمنی بین رژیم صهیونیستی به نمایندگی از غرب و حزب‌الله به نمایندگی از امت اسلامی نمایان ساخت؛ با عدم دست‌یابی رژیم صهیونیستی به هیچ یک از اهداف آشکار و پنهان از پیش تعیین شده خود، نه تنها طرح منطقه جنوب غرب آسیا بزرگ را پیش نبرد؛ بلکه از هدف حداکثری نابودی حزب‌الله لبنان تا اهداف حداقلی خلع سلاح این حزب نیز تحقق نیافت. حتی دست‌یابی به هدف عقب‌راندن حزب‌الله به شمال رود لیطانی نیز محقق نشد و رژیم صهیونیست را با ناکامی و وقفه جدی مواجه ساخت. شکست «طرح خاورمیانه بزرگ» در جنگ ۲۰۰۶ واقعی است که به آمریکا و رژیم صهیونیستی فهماند، دیگر آمریکا مثل گذشته ابرقدرت بی‌رقیب در خاورمیانه نیست و حتی با وجود متحدان اروپایی اش و نهادهای بین‌المللی و با دستاویز قطعنامه ۱۵۵۹ و ۱۷۰۱ شورای امنیت قادر به تحمل اراده خود بر کشورهای سلطه‌ستیز این منطقه نیست. این شیوه جنگ برای مبارزان مسلمان و غیرمسلمان و به‌ویژه مبارزان فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی الگو شده است و امروزه در دانشکده‌های افسری جهان به عنوان الگویی نوین در واحدهای درسی گنجانده شد. تعمیق شکاف‌های سیاسی ناشی از جنگ ۳۳ روزه نشان داد که پس لرزه‌های سیاسی آن تا الان نیز در سرزمین اشغالی فلسطین ادامه دارد به گونه‌ای که طی دو سال اخیر با برگزاری چهار انتخابات پارلمانی قادر به تشکیل دولت پایدار نشد. حزب‌الله لبنان با این شیوه جنگی نوین به عنوان بازیگری مؤثر با توان بازدارندگی بالا در معادله منطقه جنوب غرب آسیا نمایان شد و با

پیروزی در این جنگ نشان داد که از یک حزب محلی به قدرتی منطقه‌ای تبدیل شده است.

ضمائم

جدول خسارت‌ها جنگ ۲۰۰۶م و نظرسنجی در رژیم صهیونیستی

آمارهایی اعلامی در لبنان و رژیم صهیونیستی	لبنان	رژیم صهیونیستی
خسارت‌های مالی	۶/۵-۳/۵ میلیارد دلار	۵/۷ میلیارد دلار
طول مدت جنگ	۳۳ روز	۳۳ روز
تعداد موشک‌های شلیک شده	به لبنان	۳۹۷۰ به اسرائیل
تعداد کشته‌های نظامی	۱۰۰	۱۱۷
تعداد کشته‌های غیر نظامی	۱۱۰۰	۳۹
تعداد مجروحان	---	۵۰۰۰
تعداد اماکن تخریب شده	۷۰۰۰ خانه، ۱۴۵ پل روگذر، ۲۹۰۰ مراکز خدماتی مانند بندر، فرودگاه، کارخانه برق و آب، ضاحیه جنوبی به شعاع یک کیلومتر، خطوط تلوزیون و رادیو، آنتن تلفن همراه،	۲۰۰۰ خانه و ساختمان آپارتمانی تخریب شد، ۹۰۰۰ مورد دیگر آسیب دید خسارت و تخریب ۴۰۰ تجارتخانه و مدرسه
تعداد سربازان حاضر در جنگ	---	۳۰۰۰۰
تعداد بمب‌های به کار رفته علیه طرف مقابل	---	۱۷۵۰۰۰
تعداد سورتی حملات هوایی	---	۱۵۰۰۰
تعداد ساعات حرکت کشتی‌های جنگی	---	۸۰۰
تعداد اهدافی که مورد حمله قرار		۷۰۰۰

		گرفتند
۱	---	انهدام کشتی رژیم صهیونیستی
۳۰۰۰۰۰	۹۶۳۳۳۴	آوارگان جنگی
۵	---	بالگردهای منفجر و ساقط شده
مرکاوا ۴۰	---	انهدام تانک‌های مرکاواي رژیم صهیونیستی
۱/۹ درصد		کاهش تولید ناخالص
اولمرت نخست وزیر از ۷۸ به ۴۰، دان‌حالتس رئیس ستاد به ۴۴ درصد کاهش، عامیر پرتز وزیر دفاع از ۶۱ به ۲۸		کاهش یا افزایش محبوبیت سران پس از جنگ پس از نظر سنجی در رژیم صهیونیستی و لبنان (اعداد به درصد)
اولمرت ۴۹، حالتس ۱۰، عامیر پرتس ۴۱		سهم مسئولان در شکست
رژیم صهیونیستی ۳۰ و حزب-الله ۳۰، شکست رژیم صهیونیستی		نظر سنجی در مورد پیروز جنگ

منبع: (حسیب، ۱۳۸۹:۲۶ و بلقریز، ۱۳۸۹:۱۴۵ و ادناور، ۲۰۰۶:۷۸ و الحافظ، ۱۳۸۹:۱۱۱ و مجله دراسات باحث و الخادم، ۱۳۹۰:۱۱۶ و

Haines-Young, 15 July 2016 و Stead, 2018:10-35 و Ruhayem, 2016:10 و Karon, Aug. 15, 2006 و Kotia and Edu-Afful, 2014:20-30 و www.reuters.com

کتابنامه

- المصری، شفق (۲۰۰۴). لبنان و سوريا مطالبان بالتحرك لتطويق الاهداف الامريكیه - الاسرائیلیه: القرار، ۱۵۵۹، قراءه قانونیه و سیاسیه»، الخلیج، ۲۰/۰۹/۲۰۰۴.
- ادریس، محمد سعید (۱۳۸۹). آینده طرح آمریکا در خاورمیانه بعد از پیروزی مقاومت اسلامی، ترجمه صغری روستایی، نشر اندیشه سازان نور.
- ادناور (رئیس سازمان همکاری یهودی-عربی)، کونراد (۲۰۰۶). الدراسات الفلسطینیة، رقم ۹۸، الخریف.
- اسپریگنز، توماس (۱۳۹۸). فهم نظریه‌های سیاسی، ترجمه دکتر فرهنگ رجایی، تهران: نشر آگاه.
- اسداللهی، مسعود (۱۳۸۷). از مقاومت تا پیروزی، تهران: نشر اندیشه سازان نور.
- اصغری، جواد (۱۳۸۸). تاریخ احزاب شیعی در لبنان، تهران: نشر اندیشه سازان نور.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۹). مقاومت در اسلام، تهران: نشر اندیشه سازان نور.
- الحافظ، زیاد (۱۳۸۹)، پیامدهای جنگ رژیم صهیونیستی علیه لبنان، ترجمه صغری روستایی، تهران: نشر اندیشه سازان نور.
- الخادم، سمیر (۱۳۹۰). جنگ غافلگیرها و تدبیرها، ترجمه مریم امیرشاکری، تهران: نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- المعتمد، مصطفی (۱۳۸۹). مقدمات تحولات ژئواستراتژیک در منطقه عربی و جهان اسلام بعد از جمله به لبنان، ترجمه صغری روستایی، تهران: نشر اندیشه سازان نور.
- برچر، مایکل و جانانان ویکفند (۱۳۸۲). بحران، تعارض و بی ثباتی، ترجمه علی صبحدل، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- برچر، مایکل (۱۳۸۲). بحران در سیاست جهان، ظهور و سقوط بحرانا، ترجمه میرفردین قریشی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بزی، محمدحسین (۱۳۹۸). زبور مقاومت، ترجمه مصطفی الهیاری، تهران: نشر بین الملل.
- بلقزیز، عبدالله، قراه فی استراتیجیه خطاب حزب الله، www.alkhaleej.ae.
- بلقزیز، عبدالله (۱۳۸۹). حزب الله از آزادسازی تا بازدارندگی (۲۰۰۶-۱۹۸۲)، ترجمه علی شمس، تهران: نشر اندیشه سازان نور.
- بن مائیر، یهودا (۲۰۰۶). سیاست حکومت رژیم صهیونیستی و اهداف الحرب، احرنوت، ۱۲/۸/۲۰۰۶.
- بنزیمان، عوزی (۲۰۰۶). فشل ۲۰۰۶، هآرتس، ۲/۸/۲۰۰۶.
- بیدقی، آریتا (۱۳۹۳). رهبری انقلابی سیدحسن نصرالله، نشر اندیشه سازان نور.
- بیدل، استفان (۱۳۸۹). فریدمن، جفری، نبرد ۲۰۰۶ لبنان و آینده جنگ، تهران: ترجمه و نشر دانشگاه امام حسین (ع).
- پاشاپوریولاری، حمید (۱۳۹۲). حزب الله لبنان و بیداری اسلامی، تهران: ناشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- توکلی، یعقوب (۱۳۹۴). حقیقت سمیر، تهران: ناشر شرکت انتشارات سوره مهر.
- جعفر پور، راشد (۱۳۹۰). آزادترین مرد جهان، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- جمعی از نویسندگان صهیونیست (۱۳۸۸). جنگ ۳۳ روزه طولانی‌ترین، ناکام‌ترین و پرهزینه‌ترین جنگ رژیم صهیونیستی، مترجم عربی احسان مرتضی، مترجم فارسی علی شمس، تهران: نشر اندیشه سازان نور.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۹). پیروزی مقاومت، مترجم صغری روستایی، تهران: نشر اندیشه سازان نور.
- حسیب، خیرالدین (۱۳۸۹). پیامدهای جنگ اسرائیل علیه لبنان (داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی)، مترجمان محمدرضا بلوردی و صغری روستایی، تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور
- حطیط، امین (۱۳۸۹). حقیقت و عوامل پیروزی مقاومت، مترجم صغری روستایی، تهران: اندیشه سازان نور.
- حیدر، محمود و موسوی، سیدحسین (۱۳۸۱). بررسی تجاوزات رژیم صهیونیستی به لبنان ۲۰۰۱-۱۹۷۶ فروپاشی دیوار مطمئن، تهران: نشر مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- خسروشیری، علی (۱۳۸۹)، انقلاب اسلامی و شیعیان لبنان، تهران: نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- خضاب، وحید (۱۳۹۸)، فرمانده در سایه، قم: انتشارات شهید کاظمی.
- خواجه، محمد (۱۳۸۷). پیروزیهای دشوار، ترجمه علی شمس، نشر اندیشه سازان نور.
- رزم جو، محمدرضا (۱۳۸۴). «جنگ نامتقارن»، فصلنامه علوم و فنون نظامی، دوره دو، شماره ۲.
- رضوی، سلمان (۱۳۹۶). حزب الله در سوریه، تهران: اندیشه سازان نور.
- زارعی، سعدالله (۱۳۹۷). صادق الوعد، تهران: اندیشه سازان نور.
- سلامه، حسین (۱۳۸۹). حزب الله در ذهنیت رژیم صهیونیستی، ترجمه میترا فرهادی، تهران: اندیشه سازان نور.
- سلیمانی‌زاده، داود (۱۳۸۷). انقلاب اسلامی و احیای هویت دینی شیعیان لبنان، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سوید، محمود (۱۳۷۹). پنجاه سال پایداری و مقاومت، ترجمه مرکز تحقیقات و بررسی ها-بیروت.
- شالوم، زکی (۲۰۰۶). سقوط مفاهیم، حرب لبنان کاخیتار، معاریف، ۲۱/۶۷/۲۰۰۶.
- شیروانی، میثم (۱۳۸۹). پیامدهای سیاسی و امنیتی جنگ ۳۳ روزه، تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع).
- شیرودی، مرتضی (۱۳۸۴). «طرح خاورمیانه بزرگ، غرب و کشورهای مسلمان زمینه ها، چستی و پیامدها»، مجله اندیشه تقریب، تابستان، شماره ۳.
- عفرون، یائیر (۲۰۰۶). الردع و قیود، هآرتس، ۱۷/۶۷/۲۰۰۶.
- علی، حسن خلیل (۱۳۹۸). ناگفته‌های جنگ ۳۳ روزه : واکاوی تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان، مترجم صفاءالدین تبرائیان، تهران: نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- غریب، سعد (۱۳۸۸). دین و سیاست در حزب‌الله، ترجمه غلامرضا تهامی، تهران: نشر اندیشه سازان نور.
- غفوری، صادق (۱۳۹۰). حزب‌الله لبنان، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- فضائیلی، مهدی (۱۳۹۸). «معادله نصر و درمیانه آتش» گفتگو با حسن نصرالله و شهید قاسم سلیمانی، نشریه تبیین و تحلیلی مسیر، شماره مهر.
- کدمون، سیما (۲۰۰۶). اصبعان من نیورک، ۲۰۰۶/۸/۱۱.
- کدمون، سیما (۲۰۰۶). یدیعوت احرنوت، ۲۰۰۶/۸/۴.
- کروک، الستر (۱۳۸۷). پری، مارک، اعجاز مقاومت، مترجم سیدصادق هاشمیان، تهران: نشر سلسبیل.
- کوردزمن، آنتونی (۱۳۸۸). درس هایی از جنگ ۳۳روزه، ترجمه گروه مطالعات رژیم صهیونیستی پژوهی، نشراندیشه سازان نور.
- گزارش سیمون هرش در نیویورک، مشکله العسکرین مع سیاسه بوش حیال ایران، السفیر، ۲۰۰۶/۰۷/۰۴.
- گوکسل، تیمور (۱۳۸۹). تاثیرات جنگ ژوئیه ۲۰۰۶ در جنگهای آینده رژیم صهیونیستی، مترجم صغری روستایی، تهران: نشراندیشه سازان نور.
- لطفی مرزناکی، رحمان (۱۳۹۴). دفاع هوشمند در اندیشه امام خامنه ای، تهران: ناشر آوای سبحان.
- محمدصالح، محسن (۲۰۰۶). التقرير الاستراتيجی الفلستانی لسنة ۲۰۰۶، بیروت، مرکز الزيتونة للدراسات والاستشارات.
- مرتضی، احسان ادیب (۱۳۸۸). تروریسم صهیونیستی، ترجمه محدرضا بلوردی، تهران: نشر اندیشه سازان نور.
- مرکبی، سیدحسین (۱۳۹۳). گفتارهای عاشورایی سیدحسن نصرالله، قم: نشرخیمه.
- مرکز باحث للدراسات (۱۳۸۸). تاریخ احزاب شیعی در لبنان از قرن ششم تا پایان سال ۱۹۸۲م، مترجم جواد اصغری، تهران: نشر اندیشه سازان نور.
- مرکز الاستشارات و البحوث (۱۳۸۸). لبنان تاریخ، جامعه و سیاست، تهران: ترجمه و نشر اندیشه سازان نور.
- منوچری، عباس (۱۳۹۵). فراسوی رنج و رویا، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام با همکاری موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- موسوی بجموردی، سید محمود (۱۳۹۷). خانه عنکبوت فروپاشی موضع امنیتی رژیم صهیونیستی، تهران: نشر سروش.
- ننایاهو، بنیامین، مکان تحت شمس، ترجمه، محمد عوده الدویری، عمان: ناشر دارالجلیل للنشر.
- نصرالله، رفیق (۱۳۸۹). عوامل پیروزی در جنگ ژوئیه: حمایت مردمی فداکاری و جانفشانی، مترجم صغری روستایی، تهران: نشر اندیشه سازان نور.
- واکر، استیون (۱۳۸۸). بحران، در کتاب: مارتین گریفیتس، دانشنامه روابط بین الملل و سیاست جهان، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- وایتس، جیدی (۲۰۰۶). مقابله مع العمید یوسی کورفاسر رئیس لواء البحت فی امان.

هانی، ادريس (۱۳۸۹). پایان دوره استراتژی ماجراجویی با جنگ، مترجم صغری روستایی، تهران: اندیشه سازان نور.

- ياسين، عبدالقادر (۲۰۰۶). فجرا الانتصار-الحرب الاسرائيليه السادسة، دمشق: دارلكتاب العربيه الطبعة الاولى.
- Ashton,C (2011), Statement by EU High Representative on Demolition and Settlements in East Jerusalem, Available At:http://www.consilium.europa.eu/uedoc/cms_data/docs/pressed
- Ben mair, Yeud(2009) , Israel's Domestic Arena Public Opinion and the Political Arena , At:https://reliefweb.int/sites/reliefweb.int/files/resources/70E284FD927F3950C12575FC004BFE54-Full_Report.pdf
- Council of Europe (2018), The Israeli-Palestinian Peace Process: The Role of the Council of Europe, Parliamentary Assembly, 23 January.
- E. Johnson, David (January 2008), The Second Lebanon War:Final Report, Vol. I Erlanger.Steven(Jani,2009), For Israel, 2006Lessons but Old Pitfalls, At: <https://www.nytimes.com/2009/01/07/world/middleeast/07military.html>.
- Haines -Young, James (15 July 2016), Hezbollah's expensive 'victory' ten years on, AT:<https://english.alarabiya.net/features/2016/07/15/The-2006>
- Harel,Amos(2016),Israel's Second Lebanon War Remains a Resounding Failure,AT: <https://www.haaretz.com/israel-news/.premium.MAGAZINE-israels-second-lebanon-war-remains-a-resounding-failure-1.5407519>
- <https://alwaght.com/fa/news/180925/%D8%48%D8%B1%D8%B1%D8%B3%DB>
- <https://www.hrw.org/report/2007/08/28/civilians-under-assault/hezbollahs-rocket-attacks-israel-2006-war>
- <https://www.reuters.com/article/us-lebanon-war-cost-idUSL0822571220070709-> Costs of war and recovery in Lebanon and Israel
- Kalb and Saivetz, Marvin and Carol (February 18, 2007), THE ISRAELI-HEZBOLLAH WAR OF 2006: The Media as a Weapon in Asymmetrical Conflict: prepared by scholars at the Shorenstein Center on the Press
- Karon, Tony (Aug. 15, 2006), Who Really Won the War? AT: <http://content.time.com>
- Kotia and Edu-Afful, Emmanuel Wekem and Fiifi (, 06/11/2014). THE LEBANON-ISRAEL WAR OF 2006: GLOBAL EFFECTS AND ITS AFTERMATH, AT: <https://smallwarsjournal.com/jrn/art/the-lebanon-israel-war-of-2006-global-effects-and-its-aftermath>
- Matthews, Matt (2008), the 2006 Hezbollah-Israeli War,:Diane Publishing
- Nakhleh, Hany (23 March 2007), THE 2006 ISRAELI WAR ON LEBANON: ANALYSIS AND STRATEGIC IMPLICATIONS, AT: <https://apps.dtic.mil/dtic/tr/fulltext/u2/a468848>
- Nu'ariat,R(2009) ,'' The International positons Regarding the Aggression,'', in Abdel Hamid AL-kay yali, studies in the Israel Aggression Against Gaza Strip, Beirut: Alzaytoona Center for studies and Consultations.
- O'Donnell, H (2016), The European Union as a Mediator in Israel Palestine: Operations Cast lead and Protective Edge, College of Europe.
- Pardo,S. and Peters, J(2010),Uneasy Neighbors : Israel and the European Union, Published by Lexington Book.

Ruhayem, Rami (11 July 2016), Ten years on, is Hezbollah prepared for another war with Israel? AT: <https://www.bbc.com/news/36559373>
Salem,Paul(2006),The After effects of the Israeli-Hizbollah War,AT: WWW.CarnegieEndowment.org
Stead, Rebecca (July 12, 2018), Remembering Israel's 2006 war on Lebanon, AT: <https://www.middleeastmonitor.com>